

ستاره سبز

در سال ۱۹۴۲ ما این شیوه دمکراتیک حل تضادهای درون خلق را به صورت فرمول "وحدت انتقاد - وحدت" درآوردیم. اگر مشروح تر بگوئیم این فرمول بدین معنی است که با تمایل به وحدت کار را آغاز کنیم، سپس از طریق انتقاد یا مبارزه تضادها را حل کنیم و سرانجام بوجدنی نوین بر پایه نوین دست یابیم. بطوریکه تجربه ما نشان می دهد این شیوه برای حل تضادهای درون خلق، شیوه درستی است.

مائوتسه دون

پنجم ماه ۱۳۵۲ برابر فوریه ۱۹۷۴

پیش بنوی وحدت اصولی مبارکسیست - لنینیست ها

بدی است از مبارزه بخاطر ایجاد حزب کمونیست. بانچه به نقطه نظرهای بالا سیاست عمومی سازمان انقلابی را در مبارزه بخاطر ایجاد حزب کمونیست ایران میشود بصورت زیر خلاصه نمود:

- * کمونیستها باید بانچه به سطح کونوسی مبارزات توده ای، جسورانه و پاروچینی نهراسیدن از سختیها و مرگ به این مبارزات بیوندند. با سازماندهی کمونیستی مخفی در میان توده ها بویژه کارگران و دهقانان کمک کنند تا توده ها اقدام به قدم به آگاهی طبقاتی بالاتر رستند و متشکل شوند. کمونیستها باید مبارزات توده ها را در جهت تد ایزک جنگتوده های، برای برانداختن امپریالیسم و طبقات اجتماعی حاکم سرگردگی رژیم شاه سمت دهند.
- * کمونیستها باید بخاطر پیشبرد موثرترین سیاست با گروهی گزائی (مادر اینجا گروهی گزائی را بمعنای سکارسیم و گروهی فرقیترابه معنای وکت بکاربردیم)، در جنبش تکر کمونیستی به مبارزه برخیزند، برای وحدت اصولی مارکسیست لنینیستها، وحدتی که تاسطح یکی شدن یعنی حزب کو نیست باید پیشروند، مبارزه نمایند.
- * کمونیستها باید برای ایجاد حزب طراز نوین طبقه کارگر و ساختمان آن بطور مستمر در وجهه آمپریسم و دکاتیسم مبارزه نمایند، تظاهرات مشخص این دو انجرا بقیه در صحنه دوم

لنینیستها در خارج بوجود آورد. در این نکتسه ما به چگونگی خط مشی و سبک کار مارکسیستی - لنینیستی در جنبش دمکراتیک خارج به خاطر خدمت به جنبش نوین کمونیستی در داخل سر - داخته ایم و در اینمورد مبارزه میان دو خط مشی را نشان داد ایم.

نقطه نظرهای اساسی سازمان ما سیاست عمومی آن در مبارزه برای ایجاد حزب کمونیست ایران، سازمان انقلابی بطور مشخص در رابطه با ایجاد حزب کمونیست سه نقطه نظر زیر را مطرح ساخته است: - ایجاد حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) وظیفه مرکزی کیه مارکسیست - لنینیستهای ایران را تشکیل میدهد. - ایجاد حزب کمونیست باید در پیوند با مبارزات و جنبش های توده ای کارگران و دهقانان باشد. - مبارزه برای وحدت هسته ها، گروه ها، سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی بخش جد انسا -

حرکت از تجارب جنبش در خارج از کشور، و آنچه به پیش از ۲۰ سال تاریخ مبارزات طبقه کارگر در کشور ما مبارزات توده ای کونی، نشان دهم که باید تئوریزی گروهی گزائی نادرست است و برضد وحدت مارکسیست - لنینیستها، برضد ایجاد حزب کمونیست میباید میباید مبارزه علیه آنرا همه جانبه به پیش برد. در نکتی دوم ساله مبارزه برای تهیه یک " پلاتفرم وحدت " راطرح نمود ایم و پس از نشان دادن ضرورت، چارچوب و نقش آن در گام برداشتن در جهت وحدت مارکسیست - لنینیستها بر روی اهمیت تهیه یک پلاتفرم وحدت بر اساس پراتیک مشخص انقلاب ایران، مبارزات جاری سیاسی تسوده ای و همچنین نظرات و مواضع تشکل های مارکسیستی - لنینیستی در داخل را تأکید نمود ایم و این بحث را در نکتسه سوپتا انجا به پیش برده ایم که نشان دهم نقش اساسی و مترقی جنبش تکر کمونیستی خارج در این است که بتواند بخوبی به امر جنبش نوین کمونیستی در داخل سازماندهی در آنجا خدمت نماید و نشان داند که اینچگونه مبارزه برای اجرای این سیاست میتواند وحدت مارکسیست -

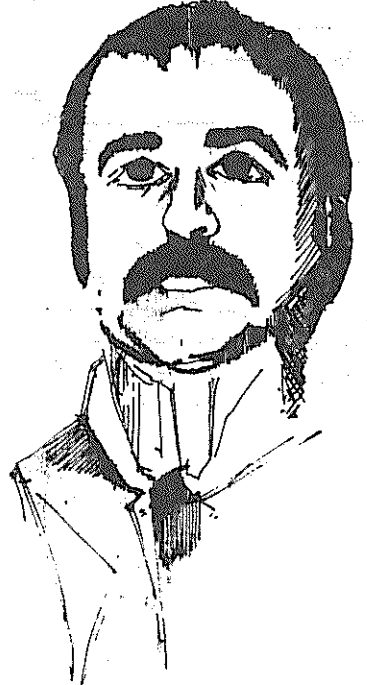
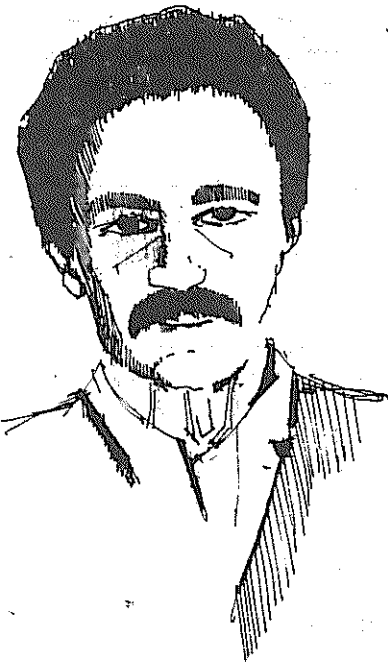
مقدمه
مادر شماره ۲۸-۲۹ " ستاره سبز " (مرداد شهریور ۵۲) نکتسه اول از چهار نکتسه ایک " سازمان انقلابی حزب تسوده ایران در خارج از کشور "، در زمینه گفتار توده (۲۱ - مرداد ماه ۱۳۵۰)، بعنوان سیاست عمومی در مبارزه برای ایجاد حزب کمونیست ایران مورد بحث قرار دادیم. تحت نام " پیش بنوی بیوند با جنبش های توده های " را تا آنجا که از این توضیح دادیم در این مقاله میخواهیم نکتسه دوم از این سیاست عمومی، یعنی مبارزه بخاطر وحدت مارکسیست - لنینیستها را تشریح کنیم. از آنجائیکه مقاله گذشته نسبتاً طولانی است، مقدمتاً طرح آنرا بطور خلاصه کسی توضیح میدهم تا تصویر عمومی آن برای خواننده معلوم باشد.

در آغاز مقاله به نقطه نظرهای اساسی سازمان انقلابی اشاره شده و مختصراً سیاست عمومی آنرا در مبارزه برای ایجاد حزب کمونیست ایران آورده ایم. سپس به اصل مطلب که بانکتسه اول - مبارزه با گروهی گزائی، شروع میشود، پرداخته ایم. در اینجا کوتیده ایم با

این رسم توست که ایستاده بمیری

بر سینهات نشست
زخم عمیق کاری دشمن
اما،

ای سرو ایستاده نیافتادی



از جنگ دوم جهانی آذربایجان و کردستان وبعد از کودتای ۲۸ مرداد مبارزه دلاورانه کارگران کوره پزخانه های تهران و قیام پانزدهم خرداد نام بردن فقط گوشه ای از مبارزات مردم ایران در چند ده سال گذشته است. تاریخ چند ده سال گذشته مبین ما نمونه های ارزنده ای چون حیدر عواماکی ها، آراتانی ها، روزبه ها، سیامک ها و قاطبی ها بخود دیده است و نه تنها باشهادت فرزندی دلاور و خلق شعله های مبارزه خاموش نشده بلکه از هر قطره خون مبارزی دهمها و صد ها مبارز دیگر برپاخاسته و مشعله های مبارزه گوی بیشتری بخشید ما اند.

سنت تاریخی مبارزه خلقهای مبین ما خاموش نشدنی است. خلق ما در عرض سه سال گذشته بار دین صدها شهید بیچرم ظفر منمن مبارزه تا آخر ابرافراشته نگه داشته و بانثار خون بسیاری از بهترین فرزندان خود به لگونی آن جلای بیشتری بخشیده است و بانفادن هر مبارز دهمها مبارز دیگر بپاخاسته اند.

هوشنگ تره گل کارگر کمونیست در آخرین دفاعیات خود می گوید: " هیات حاکمه باید از بدین این همه قدرت، این همه استقامت و بیامردی و شهامت که در برگ برگ تاریخ مبارزات خلقهای مای درخشد برخوردارند و در حکومت پویشالی اش را بر سر آمده بداند، چرا که هر عقل سالمی با بدین این همه شکوه و شهامت انقلابی و بیروزی ناچار از تصدیق است. هیات حاکمه ای ایران چه فکر میکند؟ خیال می کند که با چیدن برتی از درخت می تواند ریشهی آنرا بخشکاند؟ آیا بمسافر شعسر (هرسب ستاره های زمین میکشد و باز این آسمان غمزه غرق ستاره هاست) میتواند با بزین کشیدن چند ستاره درخشان از آسمان گسترده مبارزات ملت ایران این گنبد لانتناهی را خالی نماید؟ پیدا است که چنین تصویری آن انداز باطل است که خیالات مرغی بیچاره و زبون هنجو بوتیمار، آری آسمان انقلاب ایران از ستاره خالی نخواهد شد. چرا که به عظمت آئینی و به شکوه دنیاست. "

یکبار دیگر رژیم محمدرضاییه لوی دوش از بهترین فرزندان خلق - رفقا خسرو گسرخ و کرمان الله دانشیان - رایسه دست جوخه ای اند امپرد. این نه اولین بار است و نه آخرین باری خواهد بود که رژیم بست نشانده پهلوی به اقدام فرزندان قهرمان خلق می برد از. تاریخ رژیم محمدرضا شاهی از همان اوان بقدرت رسانید نش توسط امپریالیست هامطواریجنايات فراوان، گستر مردم و اقدام انقلابیون است.

رژیمهای ارتجاعی و از آنجمله رژیم ایران و حشمت از هر حرکت و جنب و جوش خلق دارند و از آنجائیکه به هیچ طریقی قادر به درهم شکستن مقاومت خلق نیستند، همیشه به حریدی سرکوب متوسل شده و می پندارند که با اقدام و گستاخ موفق خواهند بود. مترجمین غافل از آنند که هر اعتراض، هر حرکت و هر جنبش خلق نتیجه ایجتناپ ناپذیر و غیر قابل جلوگیری از شرایط عینی اجتماعی حاکم در جامعه است. در اجتماعی که ظلم و ستم حاکمیت دارد، مقاومت و مبارزه امری طبیعی است. در اجتماعی که انسانها پیش حق تعیین سرنوشت تسد دارند فریاد اعتراض ظنین افکن میشود و بالاخره اجتماعی که بمنظور پابرجا نگه داشتن شیوه استثمار انسان از انسان و حفظ پایه های لرزان رژیم موجود، ترور و اختناق در آن حاکمیت دارد و هر فریاد آزادخواهی با کلوله وزندان پاسخ داد میشود، خلق بپاخاسته مبارزاتش موج می برد و گسترش یافته، فرزندان منظر برانداختن سیستم حاکم مبارزه مرگ وزندگی می برد ازند و با ایثار خون خود در راه نافع خلق نهال جنبش آزاد بیخس را آبیاری کرده و فزا رسیدن فرد ای تابناک را بشارت میدهند. بعبارت دیگر هر جا ستمی هست، مقاومت هست و هر جا که مقاومت و مبارزه هست قربانی، نیز خواهد بود.

خلقهای مبین ما در مبارزه علیه ظلم و ستم طبقات حاکم پارای سنت تاریخی هستند. بزمانهای دور بر نمیگرددیم - از مبارزه آزاد بخوانان در مشروطیت، مبارزان جنبش جنگل و بعد

" جامعه ایران باید بداند که من در اینجا صرفاً بخاطر داشتن افکار مارکسیستی محاکمه می شوم و در دادگاه نظامی محکوم به مرگ گشته ام... من که یک مارکسیست لنینیست هستم و بشریعت اسلام مارچ بسیار میگردد ار به مقدم که در هیچ کجای دنیا در کشور های وابسته و تحت سلطه استعمار حکومت ملی نمیتواند وجود داشته باشد.

دادگاه اول بنا به شرایط فاشیستی حاکم بر آن دفاع مرا ناتمام شنید؟ خسرو گسرخ

استقرار جمهوری دمکراتیک خلق خواست مردم ما است

کرمان الله دانشیان

بقیه وحدت در فضا باز شناخته و با یکدیگر مانیالیسم تاریخچه و با یکدیگر مانیالیسم تاریخچه و با یکدیگر مانیالیسم تاریخچه...

در روزی و کمونیستی تشکیل میدهند و بی شک امری بسیار جنرال کمونیست بدین انتقاد و طرف آن خوب و بد...

کمونیسم "چپ" و مبارزه مسلحانه جد از توده ها با تحریف و بیگانه سازی کارگری و کمونیستی تشکیل...

مبارزه با گروهی گرونی هنوز ساله مرکزی کسار ایدولوژیک برای وحدت و تشکیل میدهند سازمان انقلابی از همان آغاز تشکیل خود بخاطر...

سازمان مادر توضیح اینکه چرا جزوه "پیش بسوی وحدت اصولی مارکسیست - لنینیست ها" را انتشار میدهد...

در ریمیکس توده ۲۱ با توجه به اوضاع تغییر یافته و ویژه باشد روحیه گروهی گری در جنبش نوین کمونیستی خارج کشور در رابطه با وحدت اصولی مارکسیست لنینیستها چنین میخوانیم:

در مکتب در جنبش مارکسیستی - لنینیستی، برای بالا بردن روحیه انقلابی کمک متقابل بیکدیگر دست زد باید ایدولوژی تاکید روی نکات مشترک و جستجوی نکات مشترک توجه به مسائل عمده و اولیاداری حل مسایل غیر عمده مورد اختلاف به آینه رانندگی و در عمل در این زمینه پیشگام شد...

که بر اثر برتری مشترک خود بدست آوردند و دست به ایجاد تشکیلات میزنند و میگویند خود را بحث از یک تشکیلات بانام ظهورش مانند نشریه فعالیت های توده ای مستقل ضربه عرضه دارند و در جاهایی که قیلا تشکیل هائی بوده اند آنها را وجود شان منقطع بوده و امکان یکی شدن و وحدت موجود بوده است...

کمونیست های جدید را که عدم پیوستنشان به سازمانهای موجود نشان از ضرورت تعیین بندها و تشکیلاتی است که فیل وجود داشته و پسا است فنی نمود و برای وحدت با آنها کوشش و مبارزه نمایند...

طبقه کارگر به وحدت و اتحاد دارد اما وحدت را تنها بایک تشکیلات متحد که تصمیماتش را بر آن تمام کارگران با آگاهی طبقاتی به اجرا درمی آورند...

این کیفیت وحدت که رسیدن به وحدت تئوری، وحدت برنامه، وحدت مشی، وحدت فرماندهی و وحدت عمل است...

رفرمیسم و ریزینیسم حاکم بر حزب توده ایران را طرد نمودند و بدین ترتیب سازمانی را بنام "سازمان انقلابی حزب توده ایران" در خارج از کشور اولین گام را که در صحنه سیاسی کارگری ایران دارای اهمیت بود...

بدین ترتیب سازمان با داشتن پرچم روشن مارکسیسم لنینیسم در دست قدم به قدم با یافتاری روی اصول خود راهزنی ها و نظرات نادرست و غیر مارکسیستی تصفیه نمود...

در اینجا گامی با دین و تعارض ماهیتا تفاوت روسو و همیت، یعنی تضادی که لفظی حزب توده ایران در حلقه اول با رهبری ریزینیستی حاکم بر حزب دارند که بنوی در مرحله ای تنها راه حل آن را بریدن از این رهبری و ایجاد سازمانی کاملا مستقل از حزب توده ایران بر اساس مارکسیسم - لنینیسم...

در مورد اول یعنی مبارزه علیه اپوزیتویم تاریخی حزب توده ایران اکثریت مطلق سازمان طی پیروسی این توانست متحد شود و تنها سه نفر بودند که روی نظرات نادرست خود پافشاری کردند و بعد بهنگام در اقلیت ماندن...

در مورد دوم یعنی مبارزه علیه انحراف "چپ" راه کما "مبارزه مسلحانه جد از توده ها" در امانه انتقاد و انتقاد از خود وسیع شد و در این مورد اکثریت مطلق رفا بر اساس مارکسیسم - لنینیسم اندیشه مائوتسه دون متحد شدند...

اما صحبت بر سر تحلیل مشخص از اوضاع مشخص ساخت دقیق تضاد ها در خارج از کشور و بیان تضاد های متناسب با رشد تضادها بخاطر حدت بیشتر پیروان ریاست...

برای نمونه پیروسی رشد تضاد درون جنبش کمونیستی بین الطلی را در دهه های اخیر در نظر بگیریم. این تضاد در آغاز خود آنتاگونیستی نبود...

میدان شد بهمین دلیل در حال حاضر احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی واقعی تنها شیوه مبارزه را در برخورد به ریزینیستی های مدرن و پیوسته مرکز آن در دست ریزینیستی حاکم در شوروی در پیش گرفته اند...

رفیق مائوتسه دون نمونه خوب تمام کمونیستهای چپا در مبارزه ایدولوژیک مبارزه میان دو خط مشی در کور کمونیست چین و همچنین در جنبش بین المللی کمونیستی است...

رفیق مائوتسه دون در جمع بندی از حل تضادها درون خلق پیرویه در رابطه با مبارزه میان دو خط مشی در حزب کمونیست یاد آور میشود که در این مبارزه تنها نباید روی اصول پافشاری کرد...

سازمان انقلابی "جامعه بندی از تجارب خود جزوی" پیروز باد راه محاصره شهرها از طریق دسات بتاریخ آبان ماه ۱۳۴۸ را با جملات زیر تمام میکند:

با اتکاء بر توده ها پرچم انقلاب را برافراشته تر سازیم

در جریان این مبارزات بوجود می آید و رشد میکند .
لنین میگوید :

کارگران حتما به وحدت احتیاج دارند . و مساله مهم که باید بخاطر داشت اینست که هیچکس جز خودشان به آنها وحدت نخواهد داد ، کسه هیچکس نمی تواند به آنها کمک کند تا به وحدت برسند .
وحدت را می شود " قول " داد این چیزی جز گزاف گویی های بوج و خود گول زنی نیست ، وحدت را نمی شود از طریق " توافق ها " بین گروه های روشنفکران ایجاد کرد . دانش چنین افکاری عیفا ناسفاور ، بچه کانه و برداشت اشتباه آمیز ناشی از نادانی است .

وحدت را باید کسب نمود و فقط کارگران یعنی کارگرانی که دارای آگاهی طبقاتی هستند خودشان میتوانند از طریق کوشش سخت و پیگیر آنرا بدست آورند .

" از مقاله وحدت - سی امه ۱۹۱۴ - کلیات جلد ۲۰)
باتوجه به کیفیت که لنین از وحدت مارکسیستی طلب می کند و باتوجه به آموزش بالا که چگونگی دست یافتن به این وحدت را معین می سازد و همچنین باتوجه اینکه مبارزات توده ای در کشور ما رو به رشد و توسعه اند ، بخوبی معلوم میگردد که سمت گیری بحرینش نوین - کونیستی در خارج در مبارزه بخاطر وحدت - چهارپایه باشد و چرا مادرمقاله " پیش بسوی پیوند با جنبش های توده ای " روی نقش پیوند با مبارزات توده ای در رشد بعدی جنبش نوین کونیستی تاکید نمودیم و از جمله نوشتیم :

" از طریق " پیوند " است که میتوان شرایط عینی را برای وحدت مارکسیست - لنینیست ها و ایجاد حزب کونیست بوجود آورد "

جنبش واقعی توده ها شرایط را برای زد و بن هرگونه انحراف گروهی گزافی از چهره تشکیلهای بوج می آورد ، آنها را مجبور می سازد که در موضع وحدت قرار گیرند . در این رابطه سوالی اساسی مطرح است : این پیوند توده ای حدش چیست یعنی تا چه درجه ای از پیوند باید رفت تا بشود صحبت از داشتن پایه ای توده ای کرد .

علت طرح سوال بدین ترتیب برای برخی بدان سبب است که مفهوم توده ها را همیشه ثابت میگویند . در حالیکه همانطور که در مقاله ستاره سرخ ۲۸ - ۲۹ یاد آور شدیم مفهوم " توده ها " بنا بر اوضاع قابل تغییر است این یک نقطه نظر مارکسیستی است و لنین بخوبی این مساله را در سخن رانی خود در دفاع از تانک های بین المللی کونیست ، که در سومین کنگره کمیتن اول ژوئیه ۱۹۲۱ ایراد می کرد روشن می نماید . لنین ضمن صحبت می گوید :

(مفهوم) " توده ها " بر حسب تغییر در ماهیت مبارزه ، تغییر می کند . در آغاز مبارزه تنها با شرکت چند هزار کارگر انقلابی ، ما می توانستیم صحبت از توده ها کنیم اگر حزبی بتواند بجز اعضایش ، توده غیر حزبی را هم به مبارزه برانگیزد ، میشود گفت این حزب دارای پایه توده ایست . در جریان انقلاب ما ، بودند لحظاتی که چند هزار کارگر توده ها را تشکیل میدادند . در تاریخ جنبش ما در مبارزه علیه منوشک ها ، شامبا نمونه های زیادی بر می خورد که شرکت چند هزار نفر از کارگران در شهر کافی بود تا به جنبش خصلت توده ای دهند . هنگامیکه چند هزار کارگر غیر حزبی که تیلای غیر سیاسی بوده ، زندگی فلاکت باری را بسر می برد و هرگز درباره سیاست چیزی نشنیده اند ، شروع می کنند به عمل کردن به شیوه ای انقلابی ، آتوقش شما می توانید از توده ها صحبت کنید . چنانچه جنبش گسترش و شدت یابد ، تدریجا به انقلاب واقعی تکامل می یابد و شما هم باید همچنین این پروسه را بگذرانید . زمانی که انقلاب بطور کافی تسهیل شده دیده شده است ، مفهوم " توده ها " فرق میشود . چند هزار کارگر را بگرمیتوان توده ها نامید . این کلمه چیز دیگری را می رساند . مفهوم " توده ها " تغییری یابد و معنی اکثریت را می دهد و نه تنها بمعنی اکثریت کارگران بلکه بمعنی اکثریت تمام استثمار شوندگان تلقی میگردد .

(کلیات جلد ۳۲)
بنابر این شعار پیش بسوی پیوند با جنبش های توده ای اساسا سمت گیری جنبش نوین کونیستی را معین می سازد و اینکه تا چه حد باید این جنبش در میان افراد غیر سازمان خود دارای نفوذ باشد که بتوان گفت دارای پایه توده ای است ، کاملا احتیاج به تحلیل مشخص از وضع جنبش توده ای در هر مرحله و در سطح کشوری دارد . مسلما در اوضاع گونی که مبارزات توده ای در حال رشد است و در اوضاع اغتصابات گوناگون در سطح مختلف دیده میشود ، تشکیلات

هاکتند میگویند ارتباطی با این مبارزات و یا نفوذ در آنها ندارند . دارای پایه توده ای نیستند و باید برای یافتن پایه توده ای مبارزه نمایند علاوه بر این نکات باید به نکات زیر توجه داشت :

۱- شعار پیش بسوی پیوند با جنبش های توده ای یک شعار رزمنده ایست که در سطح علیه روانه جراف سیاسی راست و " چپ " در سطح حقیقی کار کردن و هیچگونه فعالیتی در رابطه با مبارزات توده ای نگردد از یکسو و بصورت گروه های جدا از توده ها به مبارزه مسلحانه دست زدن از سوی دیگر مبارزه می کند . این شعار در حقیقت سمت و وظایف جنبش نوین کونیستی را که مبارزه برای بسط و توسعه ی جنبش های توده ای و تبدیل درخواست های دموکراتیک و اقتصادی آنها به درخواست های مستقیما سیاسی با مرز بندی های دقیق طبقاتی است ، معین می سازد و ضرورت شرکت فعال تشکیلات کونیستی را در مبارزات توده ای برای ارتقاء سطح سیاسی این مبارزات نشان میدهد . بدون تشکیلات کونیستی رهبری کننده ، مبارزات توده ای کونیستی حتما قاصر نیستند ، به سطحی بالاتر رشد نمایند و تبدیل به یک جنبش انقلابی توده ای گردند . در حقیقت رشد بعدی این مبارزات هم اکنون بستگی به این دارد که عناصر آگاه و تشکیلات کونیستی ، چگونه نقش خود را ایفا می نمایند .

۲- شعار پیش بسوی پیوند با جنبش های توده ای شعار بیست رزمنده ، عملا علیه گروهی گزافی می باشد زیرا محفلها و فرقه های روشنفکری را مجبور میکند از پوسته محیط خود خارج شوند با جهان کبیر توده ای کسه وسیعتر ، غنی تر و پرجزیره تر است و رو بر گردند و در پرتابک توده ای نوسازی نمایند .

۳- بالاخره و مهمترین شعار پیش بسوی پیوند با جنبش های توده ای این نکته را یاد آوری میکند که مبارزات توده ای زمینه ای عملی مشترکی است که بطور عینی و ذهنی تشکیلات کونیستی را در یک جریان قرار میدهد و آنها را بهم نزدیک می سازد و وحدت بوجود می آورد . و در حقیقت در اینجا است که مبارزه اید ثلوثی که میتواند نقش واقعی خود را داشته باشد و بر اساس مسائلی صورت گیرد که بروا قیعات نباشد و اند و در پرتابک در مدتی کوتاه صحت و سقم این سیاست یا آن سیاست ، این نظریه یا آن نظریه معلوم شده و اکثریت را روی سیاست یا نظریه درست میتواند وحدت دهد .

۳
جنبش دموکراتیک خارج و مبارزه بخاطر پیاده کردن شی صحیح و سبک کار صحیح مارکسیستی - لنینیستی در آن ، زمینه عینی برای وحدت اصولی تشکیلات کونیستی - لنینیستی را بوجود می آورد و معنای اولین گام در این راه باید جنبش چپ خارج را در خدمت جنبش نوین کونیستی داخل متحد نمود .

همانطور که در بالا یاد آور شدیم برای وحدت باید شرایط بوجود آورد و بر اساس مبارزات مشخص مبارزه اید ثلوثی که بخاطر آن به پیش برد . در خارج زمینه عینی و توده مبارزه میان دو خط مشی را مبارزات توده ای تشکیل میدهد ، مبارزاتی که در خدمت خود جنبش را تشکیل داده و حتی در دوران عدم وجود مبارزات وسیع تسهیل در داخل دارای پایه ای توده ای بوده و هم اکنون پایه ای رشد و گسترش مبارزات توده ای در داخل ، در حال رشد و گسترش است . مسئله مرکزی مبارزه بین دو خط مشی در جنبش توده ای خارج کشور اساسا بر سر اینست که آیا این جنبش باید در خدمت جنبش کارگران و حقان در داخل قرار گیرد یا نه و چگونه .

بهرنجی مبارزه میان دو خط مشی هم در این جنبش از همین جا ناشی میشود . یعنی باید چنان سیاست و سبک کاری بر آن حاکم ساخت که بطور همه جانبه آنرا در خدمت مبرمترین نیازمندیهای جنبش نوین کونیستی و دموکراتیک داخل قرار دهد . طبق درک ما خط مشی عمومی جنبش نوین کونیستی در جنبش دموکراتیک خارج باید بسط و توسعه ی آن در مبارزه علیه رژیم شاه ، امپریالیسم و سوسیالیسم تبلیغ و ترویج و سازماندهی کونیستی در میان آن با هدف گسیل نیرو به داخل کشور باشد . این بدان معنی است که مارکسیست - لنینیستها باید از یکسو با هرگونه گرایش سکا ریسیتی وضد توده ای که از بسط و توسعه جنبش دموکراتیک جلوگیری می کند و ماهیت این جنبش را که اساسا دموکراتیک است و تنها در چارچوب شعارهای دموکراتیک

می تواند پرورش و گسترش یابد درست نمی شناسد مبارزه نمایند ، پیشروان و گردانندگان مترقی و آگاه این جنبش را با وسیع ترین توده ها ممکن متحد نمایند و از سوی دیگر بخاطر سبب هژمونی و تحکیم مشی راستین مارکسیستی لنینیستی در جنبش دموکراتیک خارج به تبلیغ و ترویج و تربیت و به کار سازماندهی کونیستی برود از سد و صفوف جنبش دموکراتیک را با استخوان بندی کونیستی حفظ و تحکیم نموده و بسط و گسترش دهند .

بخاطر پیش برد این مشی که در خدمت جنبش نوین کونیستی و جنبش دموکراتیک داخل کشور قرار دارد باید از سبک درست مارکسیستی - لنینیستی پیروی کرد . سبک صحیح کار در جنبش دموکراتیک خارج کشور عبارت است از تمایز نهادن دقیق میان سازمان کونیستی و سازمان دموکراتیک ، میان سازمان مخفی و سازمان علنی میان شیوه ی کار پارلماناریستی و شیوه ی کار توده ای . فعالیت جنبش دموکراتیک خارج در محیطی کسه

دموکراسی و بورژوازی موجود است و احزاب سوسیال دموکراسی و ریزینوینیستی ریشه دارند ، و همچنین پیوند اپورتونیسم " چپ " در جنبشهای دانشجویی کشورهای فقیر که عملا به علنی گری میپردازند و به شیوه های پرسروصد آگاری می کنند ، شرایط مساعدی را برای رشد سبک نادرست در جنبش فراهم آورده اند . علاوه بر این از همان آغاز حزب توده ایران و جبهه ملی در این جنبش سبک کار پارلماناریستی حاکم بود و با داخل ایمن جنبش نیز انتقال دادند بدین ترتیب علاوه بر سیاست باید بخاطر سبک صحیح هم در جنبش دموکراتیک خارج هنوز مبارزه ای پیگیری و اصولی نمود . سبکی که سر مداران انحلال طلبی می گویند در جنبش دموکراتیک خارج اشاعه دهند غلطی گری محض ، قاطبی کردن مرزهای یک سازمان دموکراتیک توده ای علنی با یک سازمان حزبی مخفی بوده و اساسا با امر خدمت به ایران در تضاد میباشد .

بدین ترتیب معلوم میشود که مبارزه شونی در جنبش دموکراتیک خارج کشور اساسا بر سر چیست ؟ بر سر اینست که جنبش دموکراتیک خارج باید تحت هژمونی جنبش نوین کونیستی باشد یا خرد و بورژوازی ؟ باید در خدمت جنبش داخل و مبرم ترین درخواست های آن ها باشد یا بطور " مستقل " برای خودش کار کند ؟ بنا بر این انحراف عمده که در اوضاع گونی در برابر مشی راستین و سبک کار صحیح در جنبش دموکراتیک قرار داشته و در آن تخریب می شد جریان انحلال طلبی و نظرات انحلال طلبانه ایست که باید علیه آن بطور متمرکز مبارزه کرد .

جمع بندی : دموکراتیک انحلال طلبی ایست که در مبارزه میان دو خط مشی بخاطر کسب هژمونی در جنبش دموکراتیک ، همیشه بسود جریان خرد و بورژوازی انقلابی و ضرر جریان مارکسیستی - لنینیستی عمل کرده است . چگونه انحلال طلبی اینکار را انجام داده و انجام میدهد ؟ در درجه اول با انشعاب خود از سازمان انقلابی ضربه ای به صف مارکسیست - لنینیستها و با انشعابی که در جنبش توده ای در جبهه چپ بوجود آورد عملا نفوذ نیروهای چپ را بر خرد و بورژوازی انقلابی بر هم زد و سبک موضع گیری در رنگه زمینه هاسود جبهه ای دیگر هژمونی نیروهای چپ را در جنبش تضعیف نمود .

باتبلیغ علیه سازماندهی کونیستی در خارج کشور در حقیقت روحیه ی غیر حزبی را اشاعه داد . این روحیه غیر حزبی به کی میتواند خدمت کند ؟ به سازماندهی مارکسیستی - لنینیستی پایه سازمانهای جبهه واحدی و بی چهره ؟ طبیعانه به اولی بلکه به دومی . زیرا باتوجه به مرحله گونی انقلاب کشور ما که انقلابی است ماهیتا بورژوازی دموکراتیک نه سوسیالیستی ، هر جنبش دموکراتیکی اگر تحت هژمونی کونیستها نباشد ، عملا به جریان بورژوازی خدمت می نماید و آنرا تقویت میکند . از آنجا که جنبش دموکراتیک خارج هم جزئی از کل جنبش دموکراتیک خلق های ماست در نتیجه زمینه عینی برای رشد نظرات " بورژوازی دموکراتیک " در داخل کونیستها یا بطور فعال وی گیر در آن جنبش به کار سیاسی نبرداند ، به پیوسته قادر نخواهند شد آنرا درست صحیح یعنی در خدمت پرولتاریا بکنانند . در ناله روی از جنبش دموکراتیک خارج در حقیقت بمعنی رفتن زیر پرچم خرد و بورژوازی و خدمت به آن است . تبلیغ غیر حزبی کونیستی و علیه ایجاد تشکیلات کونیستی در این جنبش کار کردن نه تنها بمعنی دنباله روی از خرد و بورژوازی انقلابی است بلکه ضدیت با پرولتاریا و جنبش نوین کونیستی می باشد . بقیه در صفحه پنجم

پیش بسوی پیوند با جنبشهای توده ای

